خراسان روزنامه صبح ایران
یکشنبه ۱۴ شهریور ۱۳۹۵ . ۲ ذی‌الحجه ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۳۴۵

شهید محمد حسن قدوسی
(۱۳۵۹-۱۳۳۶ هـ.ش)

فرزند شهید آیت‌ا... قدوسی و نوه علامه طباطبایی بود. محمدحسن فعالیت‌های مبارزاتی خود را در سنین جوانی آغاز کرد. او در دانشگاه فردوسی تحصیل کرد و در جریان یکی از راهپیمایی‌ها علیه رژیم شاه در این شهر، به شدت مجروح شد. محمدحسن در تسخیر لانه جاسوسی حضور فعال داشت و با آغاز جنگ تحمیلی به همراه دانشجویان پیرو خط امام(ره) راهی منطقه هویزه شد و در همین منطقه، به شهادت رسید.

پاورقی

گروه‌های چپ در ایران (بخش چهل و یکم)

نوکرهای بی‌جیره و مواجب!

با بحرانی‌تر شدن اوضاع کردستان، هیئتی به سرپرستی زنده‌یاد «آیت‌ا... سیدمحمود طالقانی» و تنی چند از مسئولان، راهی سنندج شد تا ضمن بررسی اوضاع و گفت‌وگو با معترضان، راهکاری برای برون‌رفت از بحران بیابد. هیئت پس از ورود به سنندج، با گروه‌های مخالف جلسه‌ای برگزار کرد. «غنی بلوریان» از اعضای حزب دموکرات که از حاضران در این جلسه بوده‌است، در خاطراتش می‌نویسد: «[در این جلسه] مسائل مختلفی مورد بحث قرار گرفت. هنگامی که صدیق کمانگر [از اعضای چریک‌های فدایی خلق] شروع به صحبت کرد، طالقانی گفت: صدای شما خیلی به گوشم آشناست، شما کی هستید؟ کمانگر گفت: من از جانب شورای شهر آمده‌ام. طالقانی گفت: شورای شهر منتخب مردم است؟ کمانگر گفت: خیر، کومه‌له و چریک‌های فدایی آن را تشکیل داده‌اند. طالقانی گفت: ما شما را نماینده مردم نمی‌شناسیم. آنگاه نواری را توی ضبط صوت گذاشت. صدای کمانگر از نوار پخش می‌شد که مردم را به جانب پادگان فرا می‌خواند. طالقانی از کمانگر پرسید: این صدای شماست؟ کمانگر گفت: بله! طالقانی با عصبانیت گفت: شما با اجازه کی مردم را تحریک کردید و جنگ به راه انداختید؟» با تلاش «آیت‌ا... طالقانی» و هیئت همراه، انتخابات شورای شهر سنندج برگزار شد و التهاب مردم، اندکی فروکش کرد. اما این پایان ماجرا نبود.

■ تداوم درگیری‌ها

حزب دموکرات که اصولاً ادامه حیات خود را در گرو تداوم بحران در کردستان می‌دید، دست به ایجاد نمایندگی در نقده زد؛ شهری که در آن، کُردها در اقلیت بودند و بخش مهمی از مردم شهر را آذری‌ها تشکیل می‌دادند. این اقدام و برگزاری میتینگ‌های مسلحانه و ترویج قوم‌گرایی، باعث بروز درگیری‌های متعددی در نقده شد. دموکرات‌ها که توانسته‌بودند شرایط را مطابق میل خود تغییر دهند، کنترل مبادی ورودی شهر را به دست گرفتند و مانع از ورود ارزاق عمومی به شهر شدند. این درگیری‌ها به سرعت سراسر کردستان را فرا گرفت و مریوان، سقز، پاوه و دیگر شهرها و مناطق این استان، به صحنه جنگ تبدیل شد. در این میان، چریک‌های فدایی خلق، همسو با جریان ضدانقلاب، در کنار کومه‌له و حزب دموکرات ایستادند و عملاً با جدایی‌طلبان همصدا شدند. مدتی بعد، در مردادماه سال ۱۳۵۸، دولت مرکزی، دکتر مصطفی چمران و سرتیپ فلاحی را برای فیصله دادن غائله مریوان، به این شهر فرستاد. این دو، پس از گفت‌وگو با معارضان محلی، به توافقی برای آتش‌بس و پایان دادن به درگیری‌ها دست یافتند؛ توافقی که باعث شادمانی اهالی مریوان شد. اما چریک‌های فدایی خلق و نیروهای کومه‌له با این توافق مخالفت کردند و به درگیری‌ها ادامه دادند. جالب این‌جاست که چریک‌ها طی اطلاعیه‌ای مدعی شدند: «دولت مرکزی سعی دارد جنگ خونین دیگری را به ملت کُرد تحمیل کند!» چریک‌ها خواستار خروج نیروهای سپاه پاسداران از منطقه بودند و اصرار داشتند که ۴۰ زندانی که توسط این نیروها بازداشت شده‌بودند، آزاد شوند؛ اما مدتی بعد مشخص شد که یکی از بازداشت‌شدگان، از شکنجه‌گران معروف ساواک است که به نیروهای حزب دموکرات خدمت می‌کند. چریک‌های فدایی خلق، همسو با کومه‌له، دست به انتشار بیانیه‌هایی علیه حضور سپاه پاسداران و نظام جمهوری اسلامی زدند و مدعی شدند که حکومت مرکزی در پی احیای نظام فئودالی در منطقه کردستان است. فعالیت‌های چریک‌های فدایی خلق به انتشار اطلاعیه و بیانیه در حمایت از ضدانقلاب محدود نشد. آنها در جریان محاصره شهر پاوه، به حمایت مسلحانه از گروه‌های جدایی‌طلب پرداختند. چریک‌ها در برخی قتل‌عام‌های شهر پاوه حضوری فعال داشتند و با سرقت اسلحه و مهمات و تحویل آنها به دموکرات‌ها، در این توطئه آشکار، نقش مهمی را برعهده گرفتند.

■ پلنوم نخست و بحران کردستان

سیاست اتخاذ شده از سوی اعضا و هواداران چریک‌ها در کردستان که به طور عمده متمایل به گروه اقلیت بودند، مورد انتقاد شدید اعضای گروه اکثریت قرار گرفت. آنها این اقدامات را ضربه مهلکی به وجهه عمومی چریک‌ها می‌دانستند. در نخستین پلنوم چریک‌های فدایی خلق که در آبان ماه سال ۱۳۵۸ برگزار شد، سیاست‌های سازمان در کردستان، مهم‌ترین بحث نشست بود. بخشی از اعضای کادر مرکزی سازمان، با حضور مسلحانه در غائله کردستان به شدت مخالف بودند، اما این گروه، توان مقابله با طرفداران فعالیت‌های مسلحانه را نداشت. در نهایت، پلنوم نخست تصویب کرد که سازمان، به فعالیت بی‌نام مسلحانه در کردستان بپردازد؛ اقدامی که به تعبیر برخی از اعضای کادر مرکزی، نوکری بی‌جیره و مواجب برای حزب دموکراتی بود که با حزب بعث عراق مراودات آشکار و پنهان فراوانی داشت.

به مناسبت سالروز شهادت نخستین دادستان انقلاب اسلامی

منافقین، کادرسازی شهید قدوسی را تاب نیاوردند

جواد نوائیان رودسری
info@khorasannews.com

شهید آیت‌ا... علی قدوسی، در مردادماه سال ۱۳۰۶ هـ.ش، در شهر نهاوند متولد شد. پدرش، ملا احمد قدوسی، از علمای بنام آن دوران و مرجع دینی مردم نهاوند بود. او از شاگردان مبرز میرزای شیرازی و میرزا حبیب‌ا... رشتی محسوب می‌شد و پس از کسب درجه اجتهاد، در سال ۱۲۷۷ هـ.ش، به نهاوند بازگشت و به اداره امور شرعی مردم این شهر پرداخت. شهید قدوسی، دوره ابتدایی و متوسطه را در نهاوند گذراند. او در سال ۱۳۲۳ هـ.ش، به دلیل علاقه به تحصیلات حوزوی و با تشویق پدر، راهی حوزه علمیه قم شد. شهید قدوسی در قم، مقدمات علوم دینی را نزد استادانی همچون شهید آیت‌ا... صدوقی فرا گرفت و سپس، دروس دوره‌های عالی حوزه را نزد امام خمینی(ره) و آیت‌ا... العظمی بروجردی آموخت. شهید قدوسی، از ابتدای تحصیل در حوزه علمیه، به مباحث اخلاقی و عرفانی علاقه‌مند شد. همین علاقه بود که او را به درس علامه طباطبایی کشاند. شهید قدوسی به همراه تنی چند از دوستانش، از جمله استاد شهید مرتضی مطهری، به دلیل استعداد و توانایی بالا در فراگیری مباحث اخلاقی، عرفانی و فلسفی، از توجهات ویژه علامه طباطبایی بهره‌مند بودند. شهید قدوسی بعدها افتخار دامادی علامه را هم پیدا کرد و به این ترتیب، ارتباط معنوی او با استادش، بیشتر شد.

■ سوابق مبارزاتی

شهید قدوسی، نخستین فعالیت‌های مبارزاتی را از سال‌های جوانی و در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت تجربه کرد. او با نواب صفوی و فدائیان اسلام در ارتباط بود. در آن سال‌ها، توده‌ای‌ها برای تبلیغ مارکسیسم دست به تبلیغات گسترده‌ای زده بودند. شهید قدوسی از معدود افرادی بود که در آن شرایط، به مقابله با تفکرات توده‌ای‌ها در قم و نهاوند پرداخت. با شکست نهضت ملی شدن صنعت نفت و آغاز دیکتاتوری محمدرضا پهلوی، عرصه فعالیت‌های مبارزاتی بسیار محدود شد. به همین دلیل، شهید قدوسی نیز، موقتاً فعالیت‌های سیاسی را کنار گذاشت و به تکمیل تحصیلات حوزوی‌اش پرداخت. او در سال ۱۳۴۱ هـ.ش، موفق به اخذ درجه اجتهاد شد. شهید قدوسی، در سال ۱۳۳۸ هـ.ش، با تعدادی از دوستان حوزوی خود، پایه تشکیلاتی را گذاشت که بعدها، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نام گرفت. این تشکیلات، در پی انتظام بخشیدن به امور حوزه، بر اساس نیازهای روز بود.

■ نهضت تربیت طلاب نخبه

شهید قدوسی به دلیل آشنایی با امام(ره) و شاگردی نزد ایشان، از آغاز نهضت اسلامی، با آن همراه شد. مدتی بعد و با تبعید امام خمینی(ره) به ترکیه و سپس، به عراق، تعدادی از شاگردان ایشان و در رأس آنها شهید بهشتی، به این فکر افتادند که برای تداوم نهضت و به ثمر رساندن آن، باید دست به کادرسازی و تربیت طلاب جوان و آگاه به مسائل روز بزنند. این دیدگاه، مقدمه‌ای برای تأسیس مدرسه حقانی یا منتظریه شد؛ مدرسه‌ای که تعدادی از شاگردان خوش‌فکر امام(ره)، آن را برای تربیت طلاب نخبه و آشنا به مسائل روز ایجاد کردند. شهید قدوسی به دلیل ویژگی‌های اخلاقی و نیز، معلومات بالای حوزوی، از جمله افرادی بود که در جریان تأسیس مدرسه حقانی نقش محوری داشت. توانایی بالای او در مدیریت امور و همچنین، تعهدش به انجام مسئولیت‌هایی که پذیرفته بود، در مدت کوتاهی، او را به یکی از مدیران توانمند و مورد اعتماد هیئت امنای مدرسه تبدیل کرد. دوران حضور شهید قدوسی در مدرسه حقانی، یکی از طلایی‌ترین دوره‌های فعالیت فرهنگی و دینی این شهید بزرگوار است. بسیاری از شاگردان او در این مدرسه، بعدها به مسئولان بلندپایه نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شدند و در شرایطی که کشور نیازمند مدیران آگاه و متعهد بود، توانستند بار مسئولیت حساس اداره امور را به دوش بکشند. زمانی که شهید قدوسی دست به این اقدام بزرگ زد، کسی پیروزی قریب‌الوقوع انقلاب اسلامی را پیش‌بینی نمی‌کرد؛ اما او و همکارانش در مدرسه حقانی، با احساس مسئولیت و تعهد نسبت به این امر، گام در این مسیر گذاشتند. پیش از ورود شهید قدوسی به مدرسه حقانی، او عضو تشکیلاتی مخفی بود که به همت جمعی از شاگردان امام(ره)، برای تداوم نهضت در داخل کشور ایجاد شده بود. لو رفتن این تشکیلات در سال ۱۳۴۵ هـ.ش، بازداشت و زندانی شدن شهید قدوسی در زندان قزل‌قلعه را در پی داشت. افزون بر این، یکی دیگر از اقدامات راهبردی شهید قدوسی برای تربیت نیروهای انقلابی و ترویج تفکرات اصیل اسلامی، تأسیس مکتب توحید برای بانوان بود. این مکتب، وظیفه تربیت بانوان مسلمان و مبارز را برعهده داشت و توانست در مدت فعالیتش، بانوانی متعهد، انقلابی و مدبر تربیت کند؛ بانوانی که بعدها، خدمات شایانی به انقلاب کردند.

شهید قدوسی از شاگردان مبرز علامه طباطبایی بود که افتخار دامادی ایشان را هم داشت

■ خدمت در قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران

با اوج گرفتن انقلاب اسلامی، شهید قدوسی فعالیت‌های خود را بر مبارزه با رژیم طاغوت متمرکز کرد. او از اعضای کمیته استقبال از امام خمینی(ره) بود. با پیروزی انقلاب اسلامی، نیاز به افراد قاطع، اندیشمند و مدبری که بتوانند اوضاع آشفته آن روزهای کشور را ساماندهی کنند، به شدت احساس می‌شد. بر همین اساس، امام(ره) که شهید قدوسی را واجد این مشخصات می‌دانستند، مسئولیت‌های حساس قضایی در برخی نقاط کشور را به او واگذار کردند. مدتی بعد، شهید قدوسی با فرمان امام(ره) به عنوان دادستان کل کشور منصوب شد و در این مقام، فعالیت‌های زیادی را برای اصلاح وضعیت قضایی کشور انجام داد. او نخستین دادستان انقلاب اسلامی بود. اقدامات قاطع و عالمانه شهید قدوسی در ماه‌های نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مانع از برخی زیاده‌روی‌ها شد و در تثبیت نظام قضایی جدید در کشور نقش مهمی داشت.

■ رویگردان از ریا و خودنمایی

شهید قدوسی، در عین قاطعیت در مدیریت، از تظاهر و ریا رویگردان بود. آیت‌ا... احمد جنتی، دوست و یار دیرین شهید قدوسی، در گفت‌وگویی با نشریه «شاهد یاران»، در این باره گفته است: «[از ویژگی های بارز شهید قدوسی] اخلاص در عمل و تنفر شدید از تظاهر و ریا [بود] که به هیچ عنوان نمی‌خواست عملی را که انجام داده [است]، اظهار کند و از دوز و کلک‌هایی که بسیاری از مقدس‌مآبان، با زرنگی خاصی [به کار می‌بندند تا] هم عملشان را به رخ [دیگران] بکشانند و هم وانمود کنند که ریا نمی‌کنند، سخت بیزار بود.» شهید قدوسی تا پایان عمر پرثمرش، تقید به مسائل اخلاقی و صبر در مصائب را ترک نکرد. در بحبوحه نخستین روزهای جنگ تحمیلی و زمانی که خبر شهادت فرزندش، شهید محمدحسن قدوسی را در هویزه، به او دادند، صبر و شکیبایی‌اش در برابر این مصیبت، باعث شگفتی اطرافیان شده‌بود.

> آیت‌ا... احمد جنتی: «[از ویژگی های بارز شهید قدوسی] اخلاص در عمل و تنفر شدید از تظاهر و ریا [بود] که به هیچ عنوان نمی‌خواست عملی را که انجام داده [است]، اظهار کند و از دوز و کلک‌هایی که بسیاری از مقدس‌مآبان، با زرنگی خاصی [به کار می‌بندند تا] هم عملشان را به رخ [دیگران] بکشانند و هم وانمود کنند که ریا نمی‌کنند، سخت بیزار بود.»

■ کاری که به صحت آن یقین نداریم، نباید انجام بدهیم

شهید آیت‌ا... قدوسی در ۱۴ شهریورماه سال ۱۳۶۰ به شهادت رسید. انفجار بمب در ساختمان دادستانی، سبب این واقعه تلخ شد. عامل ترور او وابستگان به سازمان منافقین بود. محمود فخارزاده، کسی که بمب را در اتاق زیر دفتر شهید قدوسی کار گذاشت، از مدت‌ها قبل، از توجه و محبت او بهره‌مند بود. حجت‌الاسلام روحا... حسینیان که خود از شاگردان و همکاران شهید قدوسی بوده‌است، در مصاحبه‌ای با نشریه «شاهد یاران» می‌گوید: «کسی که آقای قدوسی را ترور کرد، جداً متهم بود که وابسته به سازمان [منافقین] است. یادم هست که حدوداً یک هفته یا ۱۰ روز قبل از شهادت ایشان، خدمتشان رسیدم و گفتم: آقای قدوسی ما احتمال قوی می‌دهیم که آقای فخار از منافقین است و باید اخراجش کنید. آقای قدوسی فرمودند: شما در این مورد مطمئن هستید؟ گفتم: مطمئن که نیستیم، ولی از شواهد و قرائن بر می‌آید که باید دستگیر شود تا بالاخره معلوم شود که وابسته هست یا نیست؟ ایشان فرمودند: آقای حسینیان! آقای فخار تازه ازدواج کرده [است]. کاری که به صحت آن یقین نداریم، نباید انجام بدهیم.» پس از انفجار بمب، پیکر غرق در خون شهید قدوسی، به بیمارستان ۵۰۱ ارتش منتقل شد، اما تلاش پزشکان فایده‌ای نداشت و او دقایقی بعد به شهادت رسید. پیکر شهید قدوسی روز بعد، بر روی دستان مردم قدرشناس، تشییع و سپس به قم منتقل و در حرم مطهر حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد.

گزارش تاریخی

سیاهه جنایات انگلیسی‌ها در جنوب

از آغاز روابط ایران با انگلیس که به‌ویژه در دوره صفویه ابعاد تجاری نیز پیدا کرد، تا پیروزی انقلاب اسلامی، نمی‌توان صفحه سفیدی در ارتباط با حضور این دولت در کشورمان یافت. اخذ امتیازهای ناعادلانه اقتصادی در دوره قاجار، جدا کردن بخش‌هایی از سرزمین ایران، توطئه در جریان ملی شدن نفت و... همه، بخشی از خیانت‌های این دولت به ایران و ایرانیان است. ضعف حکومت مرکزی در عصر قاجاری به جایی رسید که این دولت استعمارگر بر امور بخش‌هایی از ایران کاملاً مسلط شد. این امر به‌ویژه در جنوب ایران، بارزتر بود. اگر در ادوار قبلی خارج کردن پرتغالی‌ها و حمایت از مستعمرات انگلیس، همچون هند بهانه این نفوذ بود، این بار، حضور آلمانی‌ها بهانه این نفوذ گسترده‌تر شد. جنگ جهانی اول و وجود دشمن مشترک، زمینه نزدیکی دو قدرت مداخله‌گر در امور ایران را فراهم کرد. در حالی که تا پیش از این، روسیه و انگلیس برای تسلط بر ایران در تقابل با هم بودند. این تقابل در حمایت انگلیس از مشروطه و در مقابل حمایت روسیه از دربار و مخالفت با مشروطه و سرکوب مشروطه‌خواهان برجسته بود. با شروع این جنگ و توسعه طلبی‌های آلمان، این دو قدرت در یک جبهه واحد قرار گرفتند و انگلیس، به مشروطه خیانت کرد. حتی دشمن مشترک، این همسویی بین دو قدرت را در دیگر مناطق به‌ویژه هند و افغانستان نیز پدید آورد.

■ قرارداد ۱۹۰۷ و فعالیت انگلیس در جنوب

مقدمه نفوذ سیاسی و استعماری انگلیس در جنوب ایران به دوران سلطنت شاه عباس اول بر می‌گردد که طی آن، ناوگان جنگی آنها، در بیرون راندن پرتغالی‌ها حضور فعال داشت. اما در دوره قاجاریه، انگلیس توانست نیروهای خود را وارد خلیج فارس کند و با ایجاد کنسولخانه، بیمارستان و استحکامات نظامی، بوشهر را که آبادترین شهر بندری جنوب ایران بود، به عنوان پایگاه خود در این منطقه تعیین کند. قرارداد ۱۹۰۷ بین روس و انگلیس، عملاً ایران را به دو بخش جنوب و شمال تقسیم کرد. در حالی که قدرت مرکزی در ایران نقشی در جریان امور نداشت. بر اساس این قرارداد، جنوب ایران در حوزه نفوذ انگلیس قرار گرفت. البته انگلستان متاثر از عامل نفت نیز، به این منطقه توجه داشت. منطقه تحت نفوذ انگلیس، در واقع خطی بود که از ناحیه گزیک در افغانستان آغاز و با گذر از بیرجند و کرمان به بندر عباس ختم می‌شد.

■ سیاهه جنایات

از جمله اقدامات فاجعه‌آمیز انگلیس در جنوب، به‌ویژه در اواخر حکومت قاجارها، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱- مهم‌ترین اقدام انگلیس در جنوب تشکیل پلیس جنوب در سال ۱۲۹۴ بود. افراد قبایل محلی به عنوان اعضای این نیرو به کار گرفته شدند تا به تأمین امنیت کاروان‌های تجاری و نظامی انگلیس بپردازند. عمده جنایات انگلیسی‌ها در جنوب، از طریق همین نیرو انجام شد. این پلیس، اقدام به ایجاد ناامنی در جنوب می‌کرد تا خود را به عنوان تنها راه حل مشکلات جنوب ایران معرفی کند. آخر الامر دولت وقت ایران، زیر فشار حمایت‌های مالی انگلیس مجبور شد موافقت ضمنی خود را با فعالیت پلیس جنوب اعلام دارد.

۲- سیاست پدید آوردن قحطی در جنوب یک مورد از این اقدامات بود که با خرید محصولات کشاورزی مردم و سوزاندن یا ارسال آنها به جبهه‌های جنگ، مردم منطقه را مجبور به خوردن خاک اره می‌کردند. این اقدامات به حوزه حمل و نقل در جنوب نیز کشیده می‌شد و آن مصادره وسایل نقلیه این مناطق برای انتقال تجهیزات نظامی انگلیس بود که اعتراض تجار این منطقه را در پی داشت.

۳- سیاست انگلیس در جنوب، به جنگ با قبایل محلی نیز کشیده شد که کشتار مردم بی‌دفاع و عشایر فارس را در پی داشت؛ از جمله حمله به ایلات منفرد مانند ایل کرد شولی در ۱۹۱۶، آغاز درگیری با عشایر و روستاهای مجاور کرمان به بهانه حمایت از آلمانی‌ها، درگیری وسیع با ایل قشقایی و ایجاد درگیری قومی و قبیله‌ای میان ایلات، با حمایت از یک ایل برای سرکوب ایل دیگر و کشتار ظالمانه اهالی جوزم بخشی از این فجایع بود.

۴- کنترل گمرکات در جنوب و برداشت عواید آن به جای پرداخت آن به دولت مرکزی، دولت ایران را در وضعیت بد اقتصادی قرار داد. کشاکش بر سر این مسئله و منع واردات اقلام غذایی از هند و بین‌النهرین توسط انگلیسی‌ها، قحطی را نه تنها در جنوب، بلکه به کل کشور تسری داد که به یک نسل‌کشی چند میلیونی منتهی شد.

۵- اعدام مخالفان مردمی و سربازان فراری از ارگان‌های زیر سلطه انگلیس از دیگر اقدامات این کشور استعمارگر در جنوب ایران بود. یک نمونه آن، اعدام دوازده سرباز فراری از پلیس جنوب در آباده بود که به جنگ در این منطقه منجر شد.

۶- حمله به روستاهای بوشهر و به‌ویژه دلوار و ویران کردن خانه‌ها و باغ‌های مردم در پاسخ به مقاومت مردم در برابر تعرضات آنها.

۷- غارت آثار باستانی توسط سرپرسی سایکس در جنوب که خود از متولیان پلیس جنوب بود. بنا بر یک نقل قول، وی هنگام خروج از ایران سه کالسکه عتیقه را با خود برد.

منبع: مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران

استاد ارجمند
جناب آقای دکتر علیرضا صراف
ارتقاء جنابعالی را به مقام شامخ استادی تبریک می گوییم .
کرمان - دکتر الهام فرخ گیسور
۹۵۱۸۰۰۸۸/ش

ریاست محترم
سازمان دامپزشکی کشور
جناب آقای دکتر خلج
کسب عنوان دستگاه برتر در جشنواره شهید رجائی توسط سازمان دامپزشکی کشور و دریافت لوح تقدیر از ریاست محترم جمهوری را به جنابعالی و کلیه همکاران پرتلاش تبریک عرض می نماییم .
شرکت پاک پروتئین شرق
۹۵۱۸۰۰۵۱/ش

جناب سرهنگ اکبر حسین پور
انتصاب بجا و شایسته جنابعالی را به سمت
جانشین فرماندهی انتظامی شهرستان مشهد
که نشان از لیاقت جنابعالی میباشد تبریک عرض نموده و از خداوند منان توفیق روزافزون برای شما خواستاریم.
مرادخواهی - نادرخویی
۹۵۱۸۰۱۲۶/ق

همسر و پدر عزیز دکتر کاظم انوری
متخصص رادیولوژی و انکولوژی
انتخاب شما به عنوان پزشک نمونه سال از سوی سازمان نظام پزشکی و دانشگاه علوم پزشکی مشهد مایه مباهات است .
از طرف همسرت - کیمیا و کیارش
۹۵۱۸۰۰۷۰/ش

استاد گرامی جناب آقای دکتر علیرضا توسلی
اکنون که به لطف خداوند عزوجل و حضرت ثامن الحجج (ع) و علم و دانش شما دوست گرامی و عزیز سلامتی خود را باز یافته ام بدین وسیله مراتب تشکر خود را از جنابعالی ابراز می دارم. امیدوارم همواره با سربلندی و سلامت در خدمت به هموطنان این مرز و بوم باشید که این هدیه انصافا از طرف خداوند منان برازنده شماست. مهندس شهرام کاظمیان
۹۵۱۸۱۱۹۶/آ

مادر مهربانمان
سرکار خانم دکتر بتول ساعدی
انتخاب شایسته شما به عنوان پزشک نمونه سال ۹۵
از طرف سازمان نظام پزشکی و دانشگاه علوم پزشکی مشهد مایه افتخار است
به راستی که موجب آرامش خاطر مادرانی هستید که فرزندانشان در دستان پر مهر شما چشم به جهان می گشایند . برایتان آرزوی سلامتی داریم
آذین ، ارغوان و الیاس زارع نوغابی
۹۵۱۷۹۷۶۳/م

جناب آقای دکتر نوید نوری زاده
ارتقاء جنابعالی را به رتبه دانشیاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد تبریک عرض نموده ،
آرزومند موفقیت روزافزونتان هستیم.
دکتر علی پارسا، دکتر امیر رضایی
دکتر فرزاد گنجی
دکتر حمید رضا نوروزی
دکتر امین اظهری
۹۵۱۸۰۶۹۴/ر

فرماندهی محترم تیپ ۲۷۷
امیر سرتیپ۲ علیرضا فخرآبادی

دریافت درجه سرتیپ دومی که نشان از توان بالا و شایستگی جنابعالی می باشد و مایه افتخار شهرمان قوچان می باشد را تبریک و تهنیت عرض نموده و آرزوی موفقیت جنابعالی را در راه خدمت به اسلام و پاسداری از دستاوردهای گرانقدر انقلاب اسلامی و خون شهیدان تحت عنایات حضرت حق در ظل توجهات حضرت ولی عصر(عج) و رهبری داهیانه فرماندهی معظم کل قوا حضرت آیت‌ا... خامنه ای(مدظله العالی) از درگاه خداوند سبحان مسالت می نمائیم .
از طرف جانشین ، معاون هماهنگ کننده، ارگانها و کارکنان تیپ ۲۷۷ پیاده مستقل امیر شهید تولایی قوچان
۹۵۱۷۹۸۸۹/ش